



کمپین «نه» به خرید خودرو



Supra 1000

گمشده‌ها

انواع پوشش گیاهی موجب بر خورد انتظامی در مشاعات



شهرام شهیدی

طبرزنویس
shahraam_shahidi@yahoo.com

سختگویی ناجا گفته «چنانچه خودرویی دور از انتظار و خارج از شهر باشد داخل آن به‌عنوان حریم خصوصی محسوب می‌شود ولی در شهر جزو حریم خصوصی به حساب نمی‌آید.» با این حساب یعنی اگر یک عده خلافکار مثلاً کسی را بدزدند و ببرند خارج از شهر و زینام لال دنبال بی حیایی باشند، داخل خودرو و حریم خصوصی شان است و چار دیواری اختیاری اما اگر بنده در وسط شهر تهران بخواهم مثلاً ترانه‌ای مجاز و مورد وثوق ارشاد - مثلاً علیرضا افتخاری - گوش ندهم و به جایش یک ترانه جینگیل مستون و متأسفانه غیرمجاز و زیرزمینی گوش بدهم (البته بعد از حضور پررنگ بیغ بغو در کشور آدم اصلاً شرمش می‌آید و واقعا ترانه زیرزمینی هم گوش کند. تا حمله تبلیغاتی‌ها شروع نشده پراتنر را ببندم) یکپه از زمین و زمان روی سرم می‌ریزند که نج تیج. وی وای‌وای‌الان شما در مشاعاتی و اتفاقاً علقه با او بر عوض کردن آهنگ و کم کردن صدای دستگاه پخش خودرو باید شارژ این ماهت را هم بپردازد. نرسید شارژ دیگر چه صیغهای است؟ شما وقتی یک جا زندگی می‌کنید محل زندگی‌تان حتماً تشکیل شده از فضای اختصاصی و مشاعات. مانند حیاط، پشت‌بام، راه‌پله و... خودتان می‌دانید که تردد شمار در مشاعات کاملاً موضوع روشن و روتین و حل‌شده‌ای است و جزو حقوق شما محسوب می‌شود. البته با رعایت ضوابط و حق همسایگی.

در ریچه

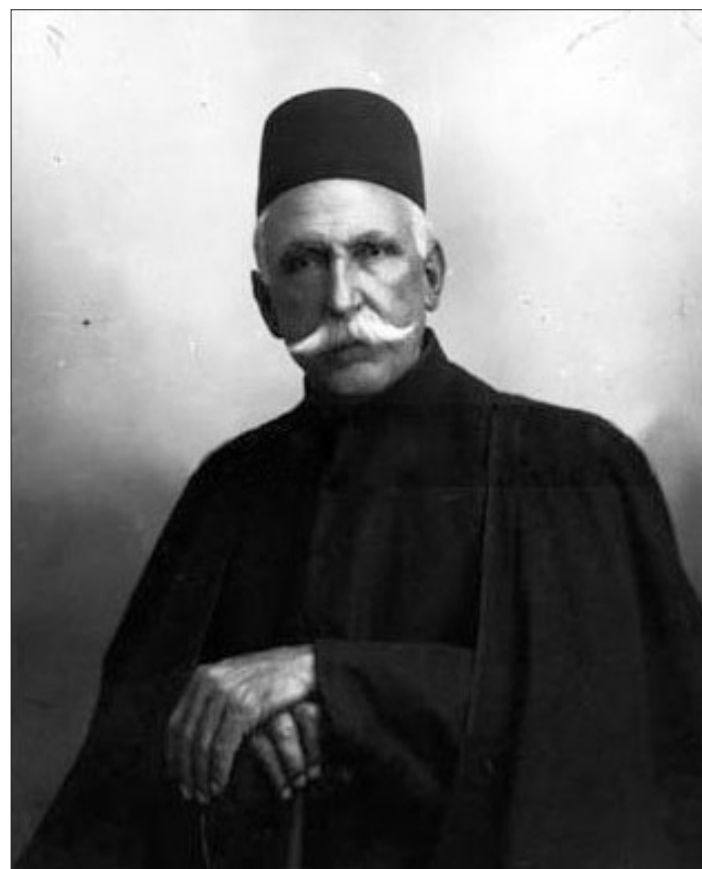
شش دانگ حق

مریم سمیع زادگان

با تشکر از ملت فرهیخته که هر روز سوزهای برای نوشتن به من می‌دهند. گلاب به روی تک تکتان، روی‌ام به دیوار، کنار در دستشویی تئاتر ایستاده بودم، پشت سرم دختر خانم مودب موجهی هم توی نوبت بود. از این پا کنارش معلوم بود عجله دارد. آن راهروی کم عرض سالن را چند بار رفت و برگشت. از آنجا که دو تایی، توی یک خط جا می‌شدم، هر بار دستی به شانه من می‌گذاشت و معذرتی زیر لب می‌گفت و رد می‌شد. من هم، هر بار سعی می‌کردم رعایت حال و روزه را بکنم، خودم را کنار می‌کشیدم که راحت رد شود. به ته راهرو که می‌رسید دور می‌زد و دوباره داستان همان بود. دست روی شانه، عذرخواهی، دوربر گردان... دور سوم یا چهارم بود، در دستشویی باز شد، اما خانم داخل دستشویی بیرون نیامد. من، رنگ‌وروی خانم دوربر گردانی را که دیدم، با خودم فکر کردم خدا را خوش نمی‌آید، این خانم، با این حال و روز منظر بماند. این دفعه که دست روی شانه‌ام گذاشت و عذرخواهی کرد، مژه‌ها در آن نوبت‌ام را به او بدهم و برق خوشحالی را توی چشم‌هایش ببینم. همان هم

شده، این بار هم عذرخواهی کرد، هم تشکر. با وجود اینکه من نوبت‌ام را به خانم دوربر گردانی داده بودم، اما کسی از دستشویی بیرون نیامد، در باز شده بود اما کسی که داخل دستشویی بود، دل از آنجا نمی‌گردد. انقدر که من شک کردم اصلاً کسی داخل دستشویی باشد. گوش تیز کردم، صدای تلق و تلوک آشنایی شنیدم، صدایی که خانم‌ها خوب آن را می‌شناسند. خانم داخل دستشویی، توی کیف لوازم آرایش، دنبال چیزی می‌گشت. معلوم بود بدون توجه به ما، می‌خواهد آرایش را تجدید کند، که کرد. ریمپلش را زده، رژاژ را مالید، گونه‌هایش را با برس رژ گونه نوازش کرد و بدون عذرخواهی از ما، از دستشویی بیرون آمد و نگاه اندر سفیه به ما دو تا کرد و رفت. من فقط فکر کردم خیلی هامان خودخواهانه گمان می‌کنیم زندگی بر مدار خواست ما می‌گذرد. دیگران را نمی‌بینیم، رعایت حقوق هم‌دیگر را بلد نیستیم. زندگی کنار هم را یاد نگرفته‌ایم. فکر می‌کنیم کامل و بی‌نقصیم و هر مشکلی هست از دیگران است و ما هیچ ایرادی نداریم و حق، هر کجا که هست شش دانگ مال ماست.

فو کوس ...



۷۵ سال پیش، برابر با بیست و هفتم مرداد ۱۳۱۹ خورشیدی، استاد محمد غفاری، مشهور به کمال الملک، بزرگترین نقاش یکصدسال اخیر ایران، در شهر نیشابور درگذشت و در کنار مزار عطار نیشابوری به خاک سپرده شد. کمال الملک در یکی از خانواده‌های هنرمند و سرشناس در کاشان چشم‌به‌جهان گشود. او پس از دیدار که ناصرالدین‌شاه از مدرسه‌دار الفنون در سال ۱۲۵۹ خورشیدی به‌عمل آورد، به‌عنوان نقاش باشی مخصوص شاه بدربار رفت. ناصرالدین‌شاه پس از چندی خود به‌شگردی استاد درآمد و او را در ابتدا به لقب نقاش‌باشی و سپس کمال الملک منصوب کرد. در مدت حضور استاد غفاری در دربار، او ۱۷۰ تابلو کشید که معروفترین آن‌ها «تالار آینه» اولین تابلویی است که آن‌را به نام کمال الملک، امضا کرده است.

حیرت‌نامه (خاطرات آفرنگی) (۱۵)

آزآمده‌ایم در این شهر بخت خویش!

در نقش کتابخانه رایگان و خودگردان. این شی یا بهتر بنامیم کالا، به نسبت گران نیز هست لکن به فراخور ادعا، محبت عوام را نیز در بد بیضای خود دارد. در ولایت ما نیز چنین است، اما فاصله ادعا و عمل کمی بیش از فرنگ باشد. یعنی در ولایت ما اگر ندانی «لامبورگینی» چه شکلی است یا «اسپرینفیلد» برند لباس است گاهی نابخشودنی مرتکب شده باشی و به تعاقب آن طرد، لکن اگر سلسله‌سالمانی و سلسله‌رامزوج‌نماید پانانید یزدگرد سوم در مواجهه با کدام سپاه شکست خورد، ملامتی بر شما لحاظ نمی‌گردد و ایضا سیاستی هم ندارد.

۲- دوستی داشتیم در ولایت که کار خاصی نداشت. هنر خاصی هم نداشت. قیافه خاصی هم نداشت. به اخذ مدرک دیپلم مشرف شده بود و تنبکی هم می‌نواخت. از این کمپانی به آن شهرک صنعتی هم مهاجرت می‌کرد و خوش بود. در خلوتی روزی من را دید. تهنیت‌زدان رفیق فرنگ دیده، ما از آمده‌ایم در این شهر بخت خویش، باید برون کشیم از این ورطه رخت خویش... دیگر دارد دیر می‌شود و وقت آن است مهاجرتی در پیش گیرم تا بل بتوانم در دیاری دیگر شکفته کنم استعدادهای درونم را. گفتم: به چه ترتیب؟ پول داری؟ گفتم: نه. گفتم: می‌خواهی به درس خواندن بگذرانی؟ گفتم: نه. گفتم: پیشنهاد نمی‌کنم اما قاچاق می‌خواهی بشوی؟ گفتم: نه. گفتم: پس به

سپهردادجوی تو کلی

روزنامه‌نگار

آن که بدانی همسایه‌ات چگونه از تزاق می‌کند مهم است؟ چه می‌خورد، چه می‌پوشد؟ مردم به تعطیلات چه می‌کنند و کدام غذاخانه بیشتر می‌روند؟ این که شهرت میان کدام شهرهاست و این شهرهای کدام زبان و فرهنگ تشکیل مملکتی را داده‌اند؟ به همان نسبت این مهم است که بدانی به دور از حیل و رسانه‌ها، مردمان دیگر دیار به چه منوال گرهای زندگی می‌کشایند و بر مشکلات فائق می‌آیند و این پندی باشد که از سرنوشت و منش دیگران بیاموزیم. میرزا ابوالحسن خان ایلیچی، از نخستین سفراي سلسله قاجار در فرنگت همت کرد تا سفرنامه‌ای بنویسد از آنچه در بلاد دور می‌گذرد، به‌عنوان ملتی که در ناز غنوده‌اند، او نام این سفرنامه «حیرت‌نامه» گذارد و پس از ابوالحسن خان، بودند دیگرانی که از دو چشم خویش روایتی بر گرفتند شاید به کار آید، گرچه که خار آید.

۱- در فرنگ ملت به شینی با نام کتاب احترام می‌گذارند و دوستش دارند. شما این علاقه و محبت را به مصداق «تعارف» یافت نمی‌کنی. این بدان معناست که در کوچکترین فرصت در مترو و اتوبوس، در دست غالب شهروندان کتاب می‌بینید. در پیاده‌روها اغلب قفسه‌هایی هستند

چه منوال می‌خواهی مهاجرت کنی؟ گفت: هالان، نکته در این است از تو که فرنگ دیدی و ذائقه آنها چشیدی، در من چه توانمندی‌هایی می‌بینی که مورد نیاز آنها باشد که مرا بخواهند؟ و من گریبان دریدم و فریاد زانسان در افاق محو شدم! و در راه می‌اندیشیدم در فرنگی که مرز ندان دو کرکس وار از سراسر دنیای سپاه و سفید، جوانان نخیه و توانمند را شکار می‌کنند و خود نیز با بهترین ابزار آموزشی سعی می‌کنند که نخیه بپرورد، در این دوست شقیق من چه می‌تواند ببیند که خواهش کند وی بخت خود را در آن شهر بیازماید؟

۳۹	۳۷	۴۰	۴۸	۴۰	۳۷	۳۳	۳۹	۳۹	۳۹
اراک	ارومیه	اصفهان	اهواز	اصفهان	ارومیه	اردبیل	تبریز	تبریز	تبریز
۱۸	۱۵	۲۰	۲۲	۲۰	۱۵	۱۷	۲۱	۲۱	۲۱
۴۱	۳۶	۴۰	۴۲	۴۰	۳۹	۳۶	۴۱	۴۱	۴۱
پوشهر	بیرجند	تهران	خرم‌آباد	تهران	تبریز	بیرجند	شیراز	شیراز	شیراز
۳۱	۱۸	۲۸	۱۸	۲۸	۲۱	۱۸	۱۸	۱۸	۱۸

خواهد بود. طی ۳ روز آینده در ساعات بعد از ظهر و اوایل شب وقوع رگبار و رعد و برق موقتی و وزش باد نیز در برخی مناطق هرمزگان، جنوب شرق فارس دور از انتظار نیست. وزش باد در شرق و برخی نقاط شمال شرق کشور تداوم خواهد داشت، که روز چهارشنبه، به ویژه در منطقه زابل، گاهی با گرد و خاک همراه خواهد بود. آسمان تهران امروز و فردا صاف، در بعد از ظهر بارش‌دار در ارتفاعات و گاهی وزش باد پیش‌بینی می‌شود. حداکثر و حداقل

۳۴	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸	۳۸
شهرکرد	کرمانشاه	کرمان	گرگان	کرمان	کرمانشاه	کرمان	کرمانشاه	کرمان	کرمانشاه
۹	۲۰	۱۵	۲۴	۱۵	۲۰	۱۵	۲۰	۱۵	۲۰
۳۸	۳۶	۴۱	۳۸	۴۱	۳۶	۳۶	۳۸	۳۸	۳۸
شیراز	همدان	قم	مشهد	قم	همدان	مشهد	شیراز	شیراز	شیراز
۱۸	۱۵	۲۶	۱۸	۲۶	۱۵	۱۵	۱۸	۱۸	۱۸

دمای هوا در روز سه شنبه ۴۰ و ۲۸ و روز چهارشنبه ۳۹ و ۲۷ درجه سانتیگراد خواهد بود. در شبانه‌روز گذشته اهواز مرکز استان خوزستان با بیشینه دمای ۴۸ درجه سانتیگراد گرم‌ترین و شهرکرد مرکز استان چهارمحال و بختیاری با کمینه دمای ۹ درجه سانتیگراد سردترین شهرهای کشور بوده‌اند. طی روزهای گذشته اردبیل و چهارمحال و بختیاری، سردترین و هرمزگان و خوزستان، گرم‌ترین استان‌های ایران بودند.